



## کِلكِ خیال انگیز

«استاد محمود فرشچیان»

ملکوتش می بردند. شاید بال‌های بی‌حرکت آن رُوح متعالی در جایی به جنبش درمی‌آیند که فرشتگان از حرکت باز می‌مانند و شاید تصویر اشاره به این مطلب دارد که وصال میسر نخواهد شد مگر در سایهٔ ایشار. رنگ غمبار سیاه پیرامون مزار شهید کشیده شده، آنچه در جهان ما می‌ماند و رنگ آسمانی سفید وجود او را فرا گرفته؛ آنچه او با خود می‌برد.

رعایت نکات فنی و ظریف نگارگری در عالی‌ترین شکل ممکن تحقق یافته بود و مجموعهٔ این خصوصیات، خالق اثر را به شایستگی معرفی می‌کرد.

استاد محمود فرشچیان، دیرآشنای متواضع ولی پرآوازه، کسی که خود را کم‌ترین بنده پروردگار می‌نامد آن‌زمان که دیگران لب به ستودنش می‌گشایند. او به سال ۱۳۰۸ در اصفهان دیده به جهان گشود. دوران کودکی‌اش در نقش و نگار گلستانِ فرش‌ها و آبی صمیمی کاشی‌های پرمایهٔ زادگاهش سپری شد. شهری که در جای‌جای آن می‌توان ردپای هنر «اسلامی-ایرانی» را به وضوح دید و استادان بزرگ و

ان نقش بدیع با آن رنگ‌آمیزی جذاب همواره به‌عنوان یکی از کارهای برجستهٔ هنری در خاطرمان خواهد ماند. به بررسی مجموعه‌ای منتخب از آثار استادان نگارگر ایرانی مشغول بودم. هر نگاره ویژگی‌های خاص خود را داشت و هر یک به‌نوعی، احساسی متفاوت را در بیننده برمی‌انگیخت ولی یکی از آن‌ها با جذابیتی فوق‌العاده متمایز می‌نمود. در اثر مورد بحث رنگ آبی در طیفی وسیع، از حالتی کم‌رنگ و آرامش‌بخش تا پررنگ و قوی و شورانگیز به‌گونه‌ای آمیخته شده بود که به‌نظر می‌رسید بیننده قادر است درون آن فرورود و در عمق آن جای گیرد. فضای کار بسیار آشنا و منطبق بر اصولی بود که خواسته‌های طبع پرشور هر ایرانی علاقه‌مند را برآورده می‌کرد. با آن‌که در میانهٔ رنگ‌ها چهره‌ای دیده نمی‌شد، ولی استواری گام‌های «آن‌کس که در حال ظهور بود» این «امید» را در دل قوت می‌بخشید که سرانجام او «خواهد آمد».

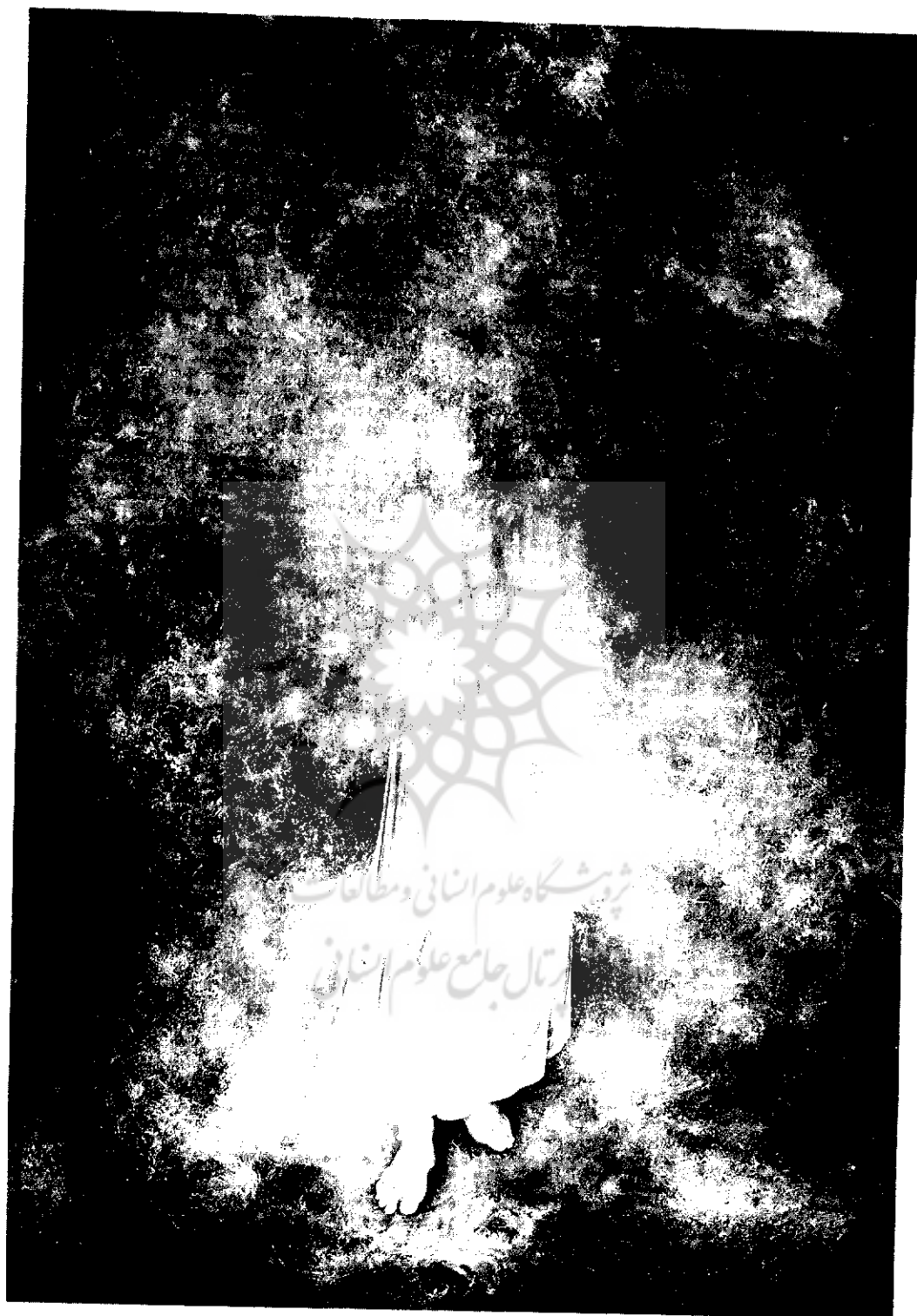
در سوی دیگر پیکره‌ای در گل‌های سرخ به چشم می‌خورد که بال‌هایی آسمانی احاطه‌اش کرده بودند و به

صاحب‌نامی چون حاج‌میرزا آقا امامی و عیسی بهادری را یافت. استاد فرشچیان هم به تشویق پدر که از کارشناسان بنام فرش، این هنر اصیل ایرانی، بود از این موهبت بی‌نصیب نماند و هم‌زمان با بهره‌گیری از تجارب این اساتید به طی‌کردن مدارج هنری در هنرستان هنرهای زیبای اصفهان همت گماشت. نقاشی، طراحی قالبی و سرامیک‌سازی را آن‌گونه با مهارت آموخت که استاد بهادری در ۱۳۲۸ یکی از گلدان‌های ساخت دست او را به آرتور پوپ، هنرشناس شهیر، اهدا کرد تا یادگاری باشد از نمونه خوب آثار ایرانی. از آن‌جا که اذهان خلاق همواره در صدد یافتن رهیافت‌های نو و افکار تازه هستند او نیز در ادامه فعالیت‌های هنری، با سفر به اروپا در راهی گام نهاد که ره‌آورد آن سبکی تازه بود از هنر متعهد ایرانی، منطبق بر تازه‌ترین معیارهای جهانی.

استاد سعی داشت تا با فراگیری فنون نقاشی کلاسیک به سبک اروپایی و آمیختن آن اصول با معیارهای نقاشی سنتی ایران، مکتبی نو را پایه‌گذارد تا به مدد آن، خلاقیت تصویری هم‌مانند سایر مظاهر هنر، بتواند فرهنگ غنی این مرز و بوم را به سایر ملل معرفی کند و باید اذعان نمود که در این راه به موفقیتی نام و تمام دست یافت. نظر فدریکو مایورا، مدیرکل یونسکو تأییدی است بر آنچه گفتیم. او آثار استاد را سیر و سیاحتی در جهان شگفتی‌ها می‌داند و او را در شمار افراد نادری قرار می‌دهد که قادرند آمیزه دلاویزی از حقیقت و خیال را در آثارشان ارایه کنند. مایور معتقد است که می‌توان آدمیان، حیوانات و طبیعت بی‌جان را آن‌چنان که هستند در کارهای استاد دید و علاوه بر آن معانی تازه‌ای، نه در عالم خیال بلکه ملموس و محسوس از آن‌ها دریافت. نیز می‌گوید که فرشچیان در زمره هنرآفرینان یگانه و استثنایی است و آثارش بیننده را به ژرفای بی‌کران هنری می‌کشاند که به افسونگری می‌ماند بی‌آن‌که در زمان محصورمان سازد. مایور

مهم‌ترین ویژگی کارهای استاد را این‌چنین بیان می‌کند: فرشچیان ضمن داشتن شناختی عمیق از هنر معاصر، هم‌چنان به سنن هنری ایران وفادار مانده و میراث فرهنگی ایران را زیرپا نگذاشته است. آثار امروز او شاهدی بر گنجینه‌های گذشته‌اش هستند. مجموعه آثارش به درخشندگی هزار خورشید است و یونسکو به همکاری با او افتخار می‌کند. گفته‌های دکتر هارولد پی‌استرن<sup>۲</sup> رئیس گالری فریرانستیتو اسمیت سوئدان و اشنگتن هم مؤید نظرات مایور است. او صادقانه اعتراف می‌کند که نقاشی‌های استاد پیوسته سبب حیرتش می‌گردند. البته این مطلبی نیست که به تازگی عنوان شده باشد. آثار استاد در اولین نمایشگاه انفرادی‌اش در اصفهان به سال ۱۹۴۸ و متعاقب آن اولین نمایشگاه خارجی‌اش در استانبول به سال ۱۹۵۶ طلیعه درخشش او در صحنه جهانی و نمایانگر استعدادهای فراوان او بود. ولی رسیدن به جایگاهی که امروز در آن قرار گرفته است مستلزم طی‌کردن راهی پرفراز و نشیب بود. او مسیری را دنبال کرد که از میلان، ژنوا، مونیخ، پاریس، کراچی، لاهور، نیویورک، واشنگتن، چین و آلمان گذشت و سرانجام باعث شد تا آثارش در موزه‌ها و نگارخانه‌های معتبر اروپا و آمریکا جایگاه واقعی خود را بیابند و اینک بسیاری از آن‌ها در مجموعه‌های خصوصی و گنجینه‌های عمومی نگاهداری می‌شوند. مجموعه‌هایی چون «ملکه الیزابت، ملکه زولیانیای هلند، لیندن جانسن رئیس‌جمهور سابق آمریکا، آکیه‌تو، جوزپه ساراگات رئیس‌جمهور سابق ایتالیا و...»<sup>۳</sup>

و علاوه بر آن همواره تقاضاهای متعددی برای داشتن یکی از آثارش<sup>۴</sup> و یا برگزاری نمایشگاهی از آن‌ها مطرح بوده است و برگزاری بیش از ۳۷ نمایشگاه انفرادی و ۶۲ نمایشگاه گروهی<sup>۵</sup> در ایران، اروپا، آمریکا و چندین کشور آسیایی پاسخی است به درخواست روزافزون هندوستان. اغلب کشورهای جهان او را به‌عنوان چهره بارز و نماینده زنده هنر نقاشی ایران



می‌شناسند و به پاس خدماتش به جامعه هنری، جوایز و نشان‌های متعددی به او اعطا کرده‌اند مانند: پرچم هنر اروپا، اسکار ایتالیا، نخل زرین اروپا و... و افتخاراتی دیگر چون عضویت در فرهنگستان اروپا و فرهنگستان هنر و فنون ایتالیا.

مکتبی که او برای بیان اندیشه‌ها و انگیزه‌ها با حفظ مبانی سنتی پی‌ریزی کرد از گستره و کارایی فراوان برخوردار است که در قیاس با آثار قدیمی، توانایی‌های آن بیش‌تر آشکار می‌شود. با رجوع به متون قدیمی هم‌چون شاهنامه و خمسه نظامی و حتی دیوان حافظ، تصویری را می‌بینیم که از آن‌ها برای روایت تصویری موضوع استفاده شده است بدون توجه به این‌که مثلاً لفظ میخانه یا می در نزد حافظ‌شناسان جنبه عرفانی دارد و آوردن تصویری از میکده، تناسبی با درونمایه اثر ادبی یا عرفانی ندارد. البته این پدیده تنها بخش کوچکی از تاریخ کهن نقاشی ایران را شامل می‌شود و رشد و ایجاد تحول در این هنر با مساعی اساتیدی چون رضا عباسی، سیر تصاعدی به خود گرفت و امروزه نیز کما فی السابق ادامه دارد به گونه‌ای که می‌توان در آثار استاد فرشچیان نیز بهره‌گیری از ابداعات اساتید متقدم را به‌خوبی دید. اما انتخاب موضوعات بکر و به‌کارگیری شیوه‌های نوین، خاص او و اصلی‌ترین وجه تمایز کارهایش از دیگر آثار معاصر است. اتخاذ چنین روشی که در راستای تعالی بخشیدن به هنر نقاشی است باعث شده تا نگارگری هم‌رسالتی هم‌پایه سایر هنرها بیاید. البته این تغییرات به‌گونه‌ای اعمال می‌شوند تا نه تنها با روح نقاشی سنتی ایران و تخیلات شاعرانه و رایج در نقاشی ایرانی ضدیتی نداشته باشند، بلکه مکمل آن هم باشند. با بهره‌گیری از این امکان تازه، هنرمندان قادر خواهند بود تا ترسیم‌کننده حالات عرفانی آثار یا عوالم درونی خود باشند. استاد ایجاد چنین تحولی را از دوران جوانی آغاز کرد زمانی که تابلو «گل آدم بسرشتند» را آفرید و در آن «موتیف‌های» نقاشی ایرانی را دگرگون

ساخت. او با استادی عناصری متضاد چون غم و شادی را در کنار هم می‌آورد و سعی می‌کند تا حد امکان جانداران را پرجنب و جوش و زنده ترسیم کند و بدین‌سان از فرم‌های قراردادی دور و به حالات طبیعی نزدیک می‌شود. تابلوهای او بی‌اختیار انسان را به یاد گروه نوازندگان در یک ارکستر می‌اندازد. هر رنگ مانند هر ساز که طنین خاص خود را دارد، بر روح بیننده اثری متفاوت از سایرین برجای می‌گذارد لیکن رنگ‌ها نیز همانند نغمه‌های هم‌آهنگ می‌توانند مکمل یکدیگر باشند و در این سمفونی رنگ‌ها، فرشچیان رهبر چیره‌دستی است که با مهارت لحظه خودنمایی هر رنگ را تعیین می‌کند تا خواسته‌های درونی‌اش را در نمای واحد عینیت بخشد. او این توانایی را دارد تا تمامی عناصر را در یک تابلو به گونه‌ای شکل دهد که نتیجه آن آسودگی خیال بیننده باشد. حتی تندبادها، سیلاب‌ها و شراره‌های آتش نیز با قلم ماهرانه او دیگر ترسناک به‌نظر نمی‌رسند. در عین حال می‌تواند بیننده را در ژرفای غمی فرو برد و عمق فاجعه‌ای را با گویاترین شکل به او نشان دهد همان‌گونه که با ترسیم استادانه ذوالجنح خونین و بی‌سوار، واقعه جانگداز عاشورا را که برای بیانش ساعت‌ها وقت لازم است در یک لحظه پیش‌روی بیننده می‌گسترده.

با دیدن آثار او می‌توان به سادگی در تاریخ سفر کرد و سیر تحولات، درگیری‌ها و «تنازع بقا» را در گستره زمان نظاره کرد و یا حتی ورای تاریخ «پنجمین روز آفرینش» را به روایت مصحف جاوید دید. گروه موجودات اسطوره‌ای ترسیم‌شده در آن هم نمایندگان دنیایی خیالی و یا نادیده‌اند که هم‌نوا با سایر موجودات به ستایش پروردگار مشغول‌اند. چنین تابلویی تنها می‌تواند در سایه نبوغ هنرمندی خلق شود که به هنرش عشق می‌ورزد و به عقایدش اعتقاد راسخ دارد و هر روز سعی می‌کند تا گامی تازه در جهت تکامل بخشیدن به آن بردارد. دانستن این ویژگی‌ها کافی است تا بتوانیم به







قلب هنرورزی استاد نگارگری میهن‌مان همواره  
پر تپش باد.

### پی‌نوشت‌ها:

1. Fedrico Mayor
2. Dr. Harold P. Stern

#### ۳. مجموعه‌های دائمی:

ملکه الیزابت انگلستان  
ملکه ژولیانای هلند  
پرنس آفاخان  
لیندن جانسن، رئیس‌جمهور سابق امریکا  
ژنرال ارنستو ژیل، رئیس‌جمهور سابق برزیل  
آکیهوتو، ولیمهد ژاپن  
جوزپر ساراگات، رئیس‌جمهور سابق ایتالیا  
لعل بهادر شاستری، نخست‌وزیر سابق هند  
سناتور ویلیام فولبرایت  
پروفسور ارترا. پوپ  
پروفسور دکتر حسین صادقی، سوئیس  
غسان شاکر  
موزه هنرهای ملی ایران  
موزه هنرهای معاصر تهران - ایران  
موزه هنر استانبول، ترکیه  
موزه لاهور، پاکستان  
بنگاه مدیسن واشنگتن دی‌سی  
باب‌گورچونه، نیویورک  
کلکسیون بری، نیوجرسی  
کلکسیون پینز، نیوجرسی  
آثار این هنرمند جزو بسیاری از مجموعه‌های دیگر در نقاط مختلف  
جهان نیز هست.

#### ۴. تقاضاها (فهرستی ناقص)

پرنس فیلیپ، انگلستان  
ژیسکارستن، رئیس‌جمهور سابق فرانسه  
رمزی سنیر، نیویورک  
مارشال کیوتن، واشنگتن دی‌سی  
فریشینگ سیستمز، نیویورک  
بلوین، نیویورک  
هتل استقلال، تهران

#### ۵. نمایشگاه‌های انفرادی:

اصفهان	موزه کاخ چهلستون اصفهان	۱۳۳۳
استانبول	انستیتوی هنر	۱۳۳۵

عمق مسرت صاحب‌نظری هم‌چون دانیل م. ماک‌مستر  
رئیس موزه علوم و صنایع شیکاگو از به‌نمایش‌گذاردن  
آثار خیال‌انگیز استاد پی‌بیریم. ماک‌مستر کارهای او را  
که در آمریکا با استقبال مردمی هم‌روبرو شد گامی مؤثر  
در شناساندن میراث فرهنگی ایران در سطح جهان  
می‌داند.

طراحی ضریح حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) از  
کارهای اخیر ایشان محسوب می‌شود که این نشانه درک  
عمومی از اوج مهارت استاد است زیرا همگان با  
آسودگی خیال پرارزش‌ترین دارایی معنوی خویش را به  
دست‌های ماهر او سپرده‌اند. شاید بتوان این اثر را  
گران‌بهارترین کار استاد دانست که همراه با «دائرةالمعارف  
نقش و نگارهای هنر اسلامی» به‌عنوان شناسنامه  
جاویدان هنر ایران در طول سالیان آتی خوش خواهد  
درخشید.

آنچه گفتیم بیان همه کارهای او نبود لیکن وظیفه  
نسل جدید و علاقه‌مند به هنر، بهره‌گیری از نبوغ و  
تجارب او در راه پیشبرد هرچه بیش‌تر هنر نگارگری  
است. باشد که از میان جوانان امروز، هنرمندان بزرگ  
فردا به‌دست اساتیدی چون او تربیت شوند و روزی  
دوباره بشنویم که صاحب‌نظری چون استیوارت  
کری‌ولش<sup>۷</sup>، هنرمندی نوظهور و ایرانی را شهروند جهان  
— نه فقط ایران — بنامد. آن‌گونه که فرشچیان را نامید.

فرشچیان عمیقاً مذهبی است. ارادت و دلدادگی او  
به ضامن آهو، امام هشتم شیعیان جهان، امام رضا (ع)  
زیانزد است. بدیهی است بدون تعلق به عالم بالا، آن  
دستان شفا یافته از لطف حضرت توان نقش‌آفرینی  
این‌گونه را نمی‌داشتند. آثار استاد به کانون گرم و نورانی  
هستی‌آفرین متوجه است و روی بدان‌سو دارد. رمز  
ماندگاری هنر اسلامی و رمز بقا و زندگی پایدار هنرمند  
مسلمان در دل‌های هنردوستان نیز همین است. «ماز  
بالایم و بالا می‌رویم». دل‌دریایی استاد هنوز موج  
می‌زند و مرواریدهایی بدیع به ساحل می‌آورد.

تهران	موزه کاخ گلستان	۱۳۳۹
میلان	لیریکال گالریا	۱۳۴۱
ژن	پالانتسو باردیرینی	۱۳۴۱
مونپخ	گالری کونست مولر	۱۳۳۸-۱۳۴۲
وین	گالری هنرهای زیبا اروپا	۱۳۴۲
تهران	تالار فرهنگ	۱۳۴۳
تهران	دانشگاه تهران	۱۳۳۳-۱۳۴۴
الجزیره	موزه هنرهای زیبا	۱۳۴۷
پاریس	گالری سیروس	۱۳۵۱
راولپندی	انستیتی هنر	۱۳۵۲
کراچی	شورای ملی هنر	۱۳۵۲
لاهور	موزه لاهور	۱۳۵۲
تهران	موزه ایران باستان	۱۳۳۵-۱۳۵۳
نیویورک	گالری ریما	۱۳۴۹-۱۳۵۵
واشنگتن دی سی	انستیتی خاورمیانه	۱۳۴۹-۱۳۵۵
سالت لیک سیتی	دانشگاه یوتا	۱۳۵۵
تهران	گالری مینیا تور هنرهای زیبا	۱۳۵۷
تهران	موزه هنرهای معاصر	۱۳۶۰
نیویورک	گالری فاکسورث	۱۳۶۳
<b>۱. جوایز:</b>		
	هنر نظامی، مدال طلا، ایران	۱۳۳۱
	جشنواره بین المللی هنر، مدال طلا، بلژیک	۱۳۳۷
	وزارت فرهنگ و هنر، جایزه اول هنر، ایران	۱۳۵۲
	آدکامی هنر و فن ایتالیا، مدال طلا	۱۳۵۹
	دیپلم افتخار، دانشگاه هنر، ایتالیا	۱۳۶۱
	دیپلم استادی هنر، سمینار هنر مدرن، ایتالیا	۱۳۶۲
	دیپلم آدکامی اروپا، ایتالیا	۱۳۶۲
	پرچم هنر اروپا، مجسمه کوچک زرین، ایتالیا	۱۳۶۳
	اسکار ایتالیا، مجسمه کوچک زرین	۱۳۶۴
	نخل زرین اروپا	۱۳۶۶
	نشان درجه یک هنری ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران	۱۳۷۴

#### 7. Stuart Cary Welch

Harvard University Art Museums

Busch - Reisinger Museum

Fogg Art Museum

Arthur M. Sackler Museum